

عجایب و فضایل ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در آیات و روایات

علی سروری مجد*

استادیار دانشگاه امام صادق (ع)، تهران

سید امیر حسن علم الهدی**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۷؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳)

چکیده

پژوهش حاضر جستاری است در خصوص اسرار لفظی و معنوی ذکر شریف «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که به اعتقاد اکثریت دانشمندان شیعه و اهل سنت از بهترین و مفیدترین اذکار برای یک مسلمان می‌باشد. پژوهشگر با شناختی که در زمینه علوم قرآن و حدیث دارد، با بهره‌گیری از قرآن و عترت که دو یادگار گرانبه‌ای به جا مانده از پیغمبر اکرم (ص) است، سعی در اثبات مدّعی خود دارد. در زمینه اعجاز عددی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تحقیقات زیادی شده که بیشتر آنها سلیقه و ذوق شخصی است و پشتوانه معتبر علمی ندارد، ولی آیا اسرار این ذکر تنها محدود به مسائل عددی است یا جنبه‌های مختلف از اعجاز را در برمی‌گیرد. دانشمندان با بررسی دقیق دو منبع قرآن و سنت جنبه‌های مختلفی از اعجاز را برای این ذکر در نظر می‌گیرند. در این پژوهش سعی شده با نگاهی جامع پیرامون منابع متعدّد شیعه و سنتی درباره این ذکر تا حدّ امکان از اسرار آن پرده بردارد.

واژگان کلیدی: قرآن، ذکر، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تفسیر، حدیث.

* E-mail: asoroorim@yahoo.com

** E-mail: saha1366@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

بدون شک یکی از مؤثرترین ذکرها و شعار توحید مسلمانان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است. در هر جایی از آیات نورانی قرآن کریم نظر افکنیم، این ذکر را به وضوح مشاهده می‌کنیم. هدف از نگارش این اثر تأکید بر نقطه مشترک تمام مسلمانان یعنی توحید است. جامع‌ترین پژوهش در این زمینه توسط فخر رازی، دانشمند بزرگ اشعری مذهب قرن ششم، به نام اسرار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است که ضعف این اثر تأثیر از عقاید اشعریان و خالی بودن از احادیث ائمه معصومین (ع) است.

علت انتخاب این موضوع تأثیر شگرف این ذکر و مایه آرامش خاطر بودن آن در شرایط دشوار زندگی می‌باشد که به طور مبسوط در این باره بحث خواهد شد. درباره این موضوع تا کنون کتابی مستقل نگاشته نشده است و اکثر مقالات و پژوهش‌ها به اهل سنت نسبت داده شده که در آنها بحث‌های روایی کمتر دیده می‌شود و یا در آنها از روایات ضعیف استفاده شده است. متأسفانه ما مسلمانان نسبت به پیروان دیگر مذاهب به نمادها و شعائر دینی خود کم‌اهمیت هستیم، در حالی که به عنوان مثال یهودیان کوچکترین نمادهای خود را به عناوین مختلف به جهانیان القا می‌کنند.

(۱) اسرار ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در آیات قرآن کریم

(۱-۱) آیه اول

در دو آیه از قرآن کریم (محمد/۱۹ و الصافات/۳۵) ذکر تهلیل^۱ به صورت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و در بیش از ۳۰ آیه دیگر به صورت‌های مشابه همچون «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» و «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» یا «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» آمده است. خداوند متعال به فرستاده‌اش حضرت محمد مصطفی (ص) فرموده است: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ: پس بدان که معبودی جز الله نیست و برای گناه خود و مردان و زنان با ایمان استغفار کن» (محمد/۱۹).

در این آیه خداوند متعال ذکر توحید را بر استغفار مقدم کرده است و با این کار تأکید بر اهمیت تهلیل که از اصول دین است، بر اذکار فرعی همچون استغفار نموده است (رازی، ۱۴۰۴ ق: ۷). این یک قاعده عقلی است که انسان مسائل اصلی را بر مسائل فرعی مقدم بدارد، پس شایسته است مسلمان از این شیوه در تمامی امور زندگی تبعیت کند.

۱-۲) آیه دوم

در این آیه خداوند خطاب به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي: من «الله» هستم. معبودی جز من نیست. مرا بپرست و نماز را برای یاد من به پا دار» (طه/۱۴). در این آیه هم توحید الهی بر عبادت مقدم شده است و تا زمانی که شناخت کافی به معبود نباشد، خداوند به خوبی پرستیده نمی‌شود. از این آیه هم می‌توان استنباط کرد که تا زمانی که انسان شناخت کافی به چیزی پیدا نکند، قردان آن نمی‌باشد. در آیات بسیاری از قرآن کریم سفارش شده که در پدیده‌های جهان بنگرید تا به قدرت و عظمت الهی پی ببرید، در این هنگام ناخواسته انسان سر تعظیم فرود می‌آورد.

۱-۳) آیه سوم

در این آیه نیز خداوند ذکر توحید را بر تقوای خود مقدم داشته است: «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ: فرشتگان را با روح (الهی) به فرمانش بر هر کس از بندگانش بخواهد نازل می‌کند (و به آنها دستور می‌دهد) که مردم را انذار کنید (و بگویند): معبودی جز من نیست؛ از (مخالفت دستور) من بپرهیزید» (النحل/۲). در این آیه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به عنوان اصل دین بر تقوا که جزء فقه و اخلاق می‌باشد، مقدم شده است.

به نظر علامه طباطبائی (ره) (ر.ک؛ طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۱۰) در عبارت «أَنَّه لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» به همه پیامبران امر به انذار (یعنی خبردادن همراه با ترساندن) به تمام دین شده است. پس همه اعتقادات حقه در «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و تمام احکام عملیه هم در تقوا خلاصه می‌شود. سیوطی در تفسیر معروف خود (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴: ۱۱۰) روایتی از پیامبر اکرم (ص) می‌آورد که: «بِهَا بَعَثَ اللَّهُ الْمُرْسَلِينَ أَنْ يُوحِدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ يُطَاعَ أَمْرَهُ وَ يَجْتَنِبُ سَخَطَهُ»، یعنی به وسیله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» خداوند پیامبرانش را فرستاده است و به عبارت دیگر، یعنی همه پیامبران دعوت به توحید می‌کردند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۴: ۶۵).

۱-۴) آیه چهارم

«إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ» (الصافات/۳۵).

شان نزول این آیه مشرکان قریش هستند که پیامبر اکرم (ص) به آنها فرمود: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَمْلِكُونَ بِهَا الْعَرَبَ وَ تُدِينُ لَكُمْ الْعَجَمَ بِهَا» (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۶۰۶)، اما آنها ظالمانه از پذیرش این نصیحت مشفقانه استنکاف کردند. اما تأویل آیه را می‌توان بسیار وسیع‌تر گرفت و گفت هیچ ظلمی بالاتر از شرک نیست و این حقیقت در تمامی اعصار جاری است. خداوند در آیات ۴۸ و ۱۱۶ سوره نساء بزرگترین گناه را شرک معرفی کرده است و با اصطلاح منطقی «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضَادِهَا» می‌توان اینگونه شرک را تعریف کرد: «جدایی قلبی و زبانی و عملی انسان از ذکر لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

۱-۵) آیه پنجم

«...فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (الفتح/۲۶).

بسیاری از مفسران شیعه و سنی «کلمة التَّقْوَى» را که در قرآن آمده، همان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دانسته‌اند (ر.ک؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۹۸، طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۱۹۰، طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۳۳۴، طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶۶: ۲۶ و سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۸۰). در منابع حدیثی و تفاسیر، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» با نامها و اوصافی چون کلمة التَّوْحِيد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۸۰) و کلمة الإِخْلَاص (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۹۹) و کلمة الحق (ر.ک؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۸: ۱۶۰) و کلمة الطَّيِّبَةِ (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۵۱) و العروة الوثقی (ر.ک؛ شوکانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۱۶) معرفی شده است، حتی برخی آن را اسم اعظم خدا دانسته‌اند. نکته ظریفی که آیه بدان اشاره کرده، ملازم بودن مؤمنان با این ذکر و در نتیجه رسیدن به آرامش در همین طوفان‌های دنیوی است.

۲) فضایل ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در روایات معصومین (ع)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خداوند عز و جلّ به موسی بن عمران فرمود: ای موسی! اگر آسمانها و تمام ساکنین آن و مجموع زمینهای هفتگانه را در پیشگاه من به یک طرف ترازو و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را در طرف دیگر بگذارند، به راستی که کفه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بر آن کفه ترجیح خواهد داشت» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۲۱۰).

در روایت امام باقر و امام صادق (ع) آمده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» بسیار بگویند؛ زیرا چیزی نزد خدای عز و جلّ محبوب‌تر از گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» نیست (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۲۶۸). امام صادق (ع) می‌فرماید: هر کس در روز صد بار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در آن روز از نظر عمل بهترین مردم است، مگر (از) کسی که زیادتر گفته باشد (ر.ک؛ همان: ۲۶۷). این فرمایش امام نیاز به

تبیین و توضیح دارد؛ زیرا در حدیث اشاره به عمل شده است؛ یعنی چه بسا شخصی صدها بار این ذکر را بگوید، ولی حقیقت آن در عمل برای او تجلی پیدا نکند و او در مقام عمل خدایان زیادی مثل پول، همسر، فرزند، پست و مقام و مدرک و سایر حُب‌های دنیوی دارد و این ذکر تنها لقلقه زبان اوست، در حالی که تأثیر واقعی این ذکر در صورتی است که ذاکر آن را با توجه و اعتقاد بگوید و به آن عمل کند و گرنه دشمنان اهل بیت (ع) هم که شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌دادند، در مقابل امام زمان خود که مأمور به اطاعت از او بودند، می‌ایستادند و شمشیر می‌کشیدند!

نبی مکرم اسلام (ص) فرمود: «بها و قیمت بهشت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است» (ابن بابویه، ۴۰۶: ۳). امام صادق (ع) فرمودند: «مَنْ قَالَ مِائَةَ مَرَّةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ أَعَادَهُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ مِنَ الْفَقْرِ وَ أُنْسٍ وَ حُشَّةِ قَبْرِهِ وَ اسْتَجَلَبَ الْغِنَى وَ اسْتَفْرَعَ بَابَ الْجَنَّةِ: هر کس ۱۰۰ بار در روز «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» را بگوید، خداوند عزیز جبار او را از تنگدستی و وحشت قبر حفظ و برای او بی‌نیازی را به ارمغان می‌آورد و درهای بهشت را به رویش می‌گشاید (ر.ک؛ همان: ۷).

حدیث سلسله الذهب

سلسله الذهب به حدیثی گفته می‌شود که معصوم به اسناد از پدرانش نقل کند، ولی به طور خاص حدیث سلسله الذهب حدیثی است که از امام رضا (ع) به هنگام ورودش به نیشابور نقل شده است و عده کثیری آن را نوشته‌اند. پیرامون سند این حدیث مطالبی ارائه شده از جمله می‌نویسند که: «این حدیث قدسی، متواتر، مسلسل و مسند می‌باشد» (دانشنامه آزاد و یکی پدیا به نقل از دائرة المعارف تشیع، بی تا، ج ۶: ۱۷۵).

امام رضا (ع) اینچنین آغاز کرد: «پدرم حضرت موسی بن جعفر (ع) برای من روایت کرد از قول پدرش، جعفر بن محمد الصادق، از قول پدرش محمد بن علی الباقر، از قول پدرش علی بن الحسین زین العابدین، از قول پدرش حسین بن علی که در سرزمین کربلا شهید شد، از قول پدرش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب که در کوفه شهید شد، از قول برادر و پسر عمویش، محمد رسول الله (ص)، از قول جبرئیل که خداوند فرمود: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ قَالَهَا دَخَلَ حِصْنِي وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي: کلمه توحید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دژ و حصار محکم من است. هر کس آن را بگوید، داخل حصار من شده است و هر کس داخل قلعه و حصار من شود، از عذاب من در امان است.

سپس حضرت رضا (ع) فرمود: آری! خداوند راست فرمود و جبرئیل و رسول خدا و ائمه اطهار (ع) همه راست گفته اند. در این هنگام کجاوه امام به راه افتاد، ولی امام اشاره کرد کجاوه را نگه دارند و ندا کرد: «بِشَرَطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۹۹). توضیح فرمایش امام (ع) به این معنی است که توحید در صورتی مقبول درگاه خداوند است که همراه با پذیرش ولایت اهل بیت (ع) باشد. اما این مطلب نیاز به توضیح و تبیین بیشتری دارد؛ چرا که قطعاً منظور امام از بیان این پیش شرط منفعت شخصی نبوده، بلکه امام می خواست موضوع اساسی و کلی را بیان کند و آن هم اینکه ایشان ولی امر مردم از ناحیه خداست، نه از جانب مأمون!

در آیه ۵۹ سوره نسا خداوند متعال اطاعت از امامان را در امتداد اطاعت از رسول خود و اطاعت از رسول خود را به منزله اطاعت از خود بیان کرده است. در نتیجه سرپیچی از فرمان اولی الامر برابر با سرپیچی از خداوند متعال و به عبارت دیگر، مخالفت عملی با شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است.

۳) شرایط تأثیر ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

۳-۱) علم به معنی آن

خداوند می فرماید: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بدان که قطعاً هیچ معبودی جز الله وجود ندارد» (محمد/۱۹). نیز می فرماید: «إِنَّمَا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» مگر کسانی که آگاهانه بر حق شهادت و گواهی داده باشند» (الزخرف/۸۶).

از این دو آیه به صراحت برداشت می شود که مقدمه شهادت به حق یا همان ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» باید علم به توحید افعالی و ذاتی و صفاتی است. از آنجایی که مقدمه واجب عقلاً واجب است، می توان برداشت کرد که جستجوی علم و کسب معرفت برای شناخت خدای یکتا برای همه انسانها واجب است. از جمله حالیه «وَهُمْ يَعْلَمُونَ» برداشت می شود که توجه به معنای این کلام در حین ادای آن ضرورت دارد و ذاکر باید اراده معنا را کرد و با حضور قلب ذکر را بگوید، در غیر این صورت، در حال خواب و مستی و یا از روی شوخی این کلام تأثیری نخواهد داشت.

۳-۲) یقین

اقرارکننده به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» باید به مفهوم و معنای آن یقین کامل داشته باشد؛ زیرا ایمان تنها با یقین حاصل می شود و نباید هیچ گونه ظن و گمانی در آن وجود داشته باشد، چنان که خداوند می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا» (الحجرات/۱۵) «مؤمنان واقعی) تنها کسانی اند که به خدا و پیغمبرش ایمان آورده اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه

نداده‌اند». خداوند در این آیه کوچکترین شک در ذات و صفات خود را مخرب ایمان بیان کرده است، البته بنا بر دیدگاه برخی متفکران اسلامی شک ابتدا به ساکن مذموم نیست، بلکه پافشاری بر آن و نرسیدن به یقین باعث هلاکت است. شهید مطهری در بسیاری از نوشته‌های خود از جمله مقدمه عدل الهی می‌فرماید: «شک گرچه منزلگاه خوب و توقفگاه مناسبی نیست، ولی معبر خوب و لازمی است». به طور کلی ما دو نوع شک ممدوح و مذموم داریم. شک مذموم مثل شک افراد وسواسی در طهارت و نجاست که مذموم است، ولی اگر شک انسان مؤمن را به تحقیق وادارد و او را در ایمان خود مصمم سازد، قطعاً ممدوح هم خواهد بود. از یک سو، «لم» حرف نفی و جزم است. به عبارت دیگر، آیه هشدار می‌دهد که انسان مؤمن نباید در شک خود سرگردان بماند.

۳-۳) همراهی زبان و قلب برای ذکر لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ذکر است که اول باید به زبان گفته شود و بعد با قلب ایمان آورده شود و سپس در مقام عمل و در هر کاری نصب‌العین قرار داده شود تا مبدا انسان در گفتار، گرایش قلبی و اعتقاد و نیز در عمل، لحظه‌ای دچار شرک گردد: «سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآلِسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ...» به زودی متخلفان از اعراب بادیه‌نشین (عذرتراشی کرده)، می‌گویند: (حفظ) اموال و خانواده‌های ما، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم)، برای ما طلب آموزش کن. آنها به زبان خود چیزی می‌گویند که در دل ندارند...» (الفتح/۱۱). از این آیه نتیجه می‌گیریم که شرط صحت هر بیانی در اعتقاد قلبی به آن نهفته است.

۳-۴) تبعیت و انقیاد از مدلول و مفهوم این کلمه

خداوند می‌فرماید: «وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید. سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید» (الزمر/۵۴)؛ «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» کسی که روی خود را تسلیم خدا کند، در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه‌گاه مطمئنی تکیه کرده) است و عاقبت همه کارها به سوی خداست» (لقمان/۲۲).

معنی «يُسَلِّمُ وَجْهَهُ» اطاعت و فرمانبرداری همراه با نیکومنشی و نیکوکاری است که تنها موحد چنین است و «عروة الوثقی» را نیز به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تفسیر کرده‌اند. واژه «اسلام» از همین تسلیم بودن گرفته شده است و مسلمان حقیقی باید تسلیم محض اوامر الهی باشد و عبودیت او را در مقام عمل نشان دهد.

۵-۳) صداقت

یعنی انسان باید کلمه توحید و به طور کلی، همه الفاظ عبادات را با صدق دل بگوید و دل و زبانش با هم هماهنگ باشند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ * يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» گروهی از مردم کسانی هستند که می‌گویند: به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم، در حالی که ایمان ندارند * می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند، (آما) نمی‌فهمند» (البقره / ۹-۸)؛ یعنی اینها در سخنان خود دروغ می‌گویند، باطن آنان با ظاهر ایشان همسانی ندارد. در برخی روایات اهل بیت (ع) نفاق از کفر هم بدتر شمرده شده است؛ زیرا منافق به‌خاطر مخفی بودن کفر او بسیار بیشتر از کافر برای جامعه اسلامی ضرر است.

در آیه ۹۰ از سوره یونس خداوند متعال از زبان فرعون که در حال غرق شدن بود، می‌فرماید: «...قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» ...گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد و من از مسلمین هستم» (یونس / ۹۰).

فخر رازی مفسر بزرگ قرآن کریم در تفسیر این آیه سؤالی را مطرح می‌کند مبنی بر اینکه فرعون در ۳ مرتبه ایمان آورد: (۱) «قَالَ آمَنْتُ...» (۲) گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ» (۳) گفت: «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ». پس چرا توبه او مورد قبول واقع نشد؟! سپس خود او جواب‌های علما را ذکر کرده که به دلیل جلوگیری از اطناب مطلب سومین جواب را که عقیده خود فخر رازی است، ذکر می‌شود. اقرار فرعون به این ذکر، تقلید محض از بنی اسرائیل بود، انگار می‌خواست بگوید من خدا را نشناختم و تنها حرف بنی اسرائیل را دارم تکرار می‌کنم و قلباً به آن ایمان ندارم! (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷: ۲۹۶).

در صحیح بخاری و صحیح مسلم معاذ بن جبل از حضرت رسول الله (ص) نقل می‌کند: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ إِنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ»

(بخاری، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۶۲؛ ح ۱۲۸). در این حدیث نیز گفتن این کلمه از روی صدق دل را شرط نجات از دوزخ قرار داده است.

۳-۶) اخلاص

اخلاص عبارت است از پالایش و پاک کردن عمل از کلیّۀ شوائب و آلودگیهای شرک، چنان که خداوند می فرماید: «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ: آگاه باشید که دین خالص از آن خداست» (الزّمر/۳) و نیز می فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...» و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستند، در حالی که دین خود را برای او خالص کنند...» (البیّنة/۵). شاید به جرأت بتوان گفت مهم ترین شرط اخلاص است؛ زیرا این ذکر تجلّی اخلاص است. کسی که در حال گفتن این ذکر خدایان متعدّدی را می پرستد و درون خود را خالی از غیر خدا نکرده، گویی دارد خدای خود را به سخره می گیرد.

۴) خواص ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

۴-۱) رسیدن به آرامش:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (الرّعد/۲۸).

در دنیای پر هیاهوی کنونی یکی از مهم ترین دغدغه های بشر رسیدن به آرامش است. بسیاری از مردم از مشکلات روحی و روانی رنج می برند، به گونه ای که بخشی عظیم از مصرف دارو در کشور را داروهای ضد افسردگی تشکیل می دهد. در این شرایط، استفاده از اذکار و ادعیه های قرآنی بسیار مفید است و شخص را بی نیاز از داروهای شیمیایی می کند. روایات متعدّدی به تأثیر این اذکار در قوّت قلب انسان اشاره دارد که به عنوان نمونه یک مورد ذکر می شود.

حضرت نوح (ع) هنگامی که بر کشتی سوار شد، خداوند به او فرمود: «ای نوح! وقتی از غرق شدن ترسیدی، هزار مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگو. پس دعا کن تا تو و مؤمنان را از غرق شدن نجات دهم. وقتی کشتی به راه افتاد، تندبادی وزید. حضرت نوح (ع) از غرق شدن ترسید و مجال آن نشد که هزار مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید. به زبان سریانی گفت: هلولیا ألقاً یا ماراثقن. پس طوفان برطرف شد و کشتی به راه افتاد. حضرت نوح (ع) فرمود: سخنی که خدا مرا بدان نجات بخشید، سزاوار است که همیشه همراه

من باشد. پس دستور داد در نگین انگشتر خود ترجمه عربی آن را بدین صورت حک کنند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَفْ مَرَّةً يَا رَبِّ أَصْلِحْنِي» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۷).

۴-۲) علاج وسواس

یکی از راهکارهای درمان وسواس فکری و عملی مثل وسواس در طهارت یا نجاست مداومت به این ذکر شریف است. ریشه مشکلات وسواسی‌ها در وسوسه‌های شیطانی و فکر و خیالات باطل است. توجه به این ذکر و ارتباط با خداوند متعال راه‌های نفوذ شیطان را به قلب مسدود می‌کند، چنان‌که بسیاری از علمای اخلاق همچون مرحوم آیه‌الله بهجت (ره) به افراد وسواسی ذکر تهلیل را توصیه می‌فرمودند (دلاور تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۲۸).

۵) ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در کلام بزرگان

۵-۱) آیه‌الله سید علی قاضی (ره)^۲

«در کنار این ذکر باید قرآن خوانده شود و بهترین موقع این ذکر از نماز عشا تا اذان صبح می‌باشد. در مورد ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هیچ ذکر به پای این ذکر نمی‌رسد و در روایت آمده که در روز قیامت مردم دوست دارند به دنیا برگردند و یک «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگویند، ولی متأسفانه اشتباهی که ما می‌کنیم، این است که اگر الان به تسبیح «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگیم، فقیر می‌شیم^۳، ولی این طور نیست».

۵-۲) علامه طباطبائی (ره)

مرحوم علامه طباطبائی (ره) در پاسخ طلبه ۲۲ ساله‌ای که از ایشان دستورات عملی می‌خواست، فرمودند: «۱۰۰۰ مرتبه در دو طرف صبح با توجه تمام، ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را تا ۴۰ روز که در ادامه حال بندگی از این راه به دست می‌آید. حداقل این ذکر در روز، ۱۰۰ مرتبه است و عدد این ذکر، ۱۲۰۰ مرتبه است و عدد کبیر این ذکر ۷۰۰۰ مرتبه است و اگر می‌خواهی این ذکر را متعادل کنی، باید همراه با آن ذکر «استغفار» را بگویی که آن را متعادل می‌کند و در قرآن آمده که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «استغفار» بهترین عبادت هستند» (نشریه فرهنگ کوثر، ۱۳۷۶: ۳۲).

۵-۳) حضرت آیه‌الله جوادی آملی

در مقدمه کتاب سر الصلاة چنین آمده است: «اوج راز نماز در شهود خداوند نهفته است: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (الحجر/۹۹) و از محدوده «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» گذشتن و مرحله «لَا

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را پیمودن، به ذروه «لَا هُوَ إِلَّا هُوَ» رسیدن است و معنای توحید تام، قطع توجه به غیر خدا نیست؛ زیرا قطع توجه به نوبه خود توجه و التفات است، بلکه انقطاع توجه به غیر است و برای اینکه این انقطاع هم دیده نشود، کمال انقطاع مطلوب موخدان ناب می‌باشد، به طوری که نه تنها غیر حق دیده نشود، بلکه این ندیدن هم دیده نشود» (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۸ق: ۱۰).

۴-۵) علامه حسن‌زاده آملی

«اگر سالکی، بدان که طیّ مراحل و قطع منازل جز به گامهای نفی و اثبات میسر نیست و این معنی جز در کلمه طیبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یافت نشود. اهل الله گفته‌اند که هیچ نوع از انواع اذکار و عبادات در ترقی درجات و مقامات معنوی اثر این کلمه طیبه را ندارد. از این رو، رسول الله (ص) فرمودند که «كُلُّ حَسَنَةٍ يَعْلَمُهَا الرَّجُلُ تُوزَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا شَهَادَةَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَإِنَّهَا لَا تُوَضِّعُ فِي الْمِيزَانِ وَ وُضِعَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعَ وَ مَا فِيهِنَّ كَانَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَرْجَحَ مِنْ ذَلِكَ». به پارسی اینکه در روز رستاخیز هر کار نیک سنجیده شود، جز گواهی دادن به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که آن را در ترازو ننهند، چه اگر در ترازو رود، آسمانها و زمینهای هفتگانه با وی برابری نکنند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۸).

۴-۵) تأثیر ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بر علامه حسن‌زاده آملی

یکی از ذکرهایی که علامه حسن‌زاده آملی (دام عزه) مکرر در جلسات درسی سفارش می‌فرمایند، ذکر شریف «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است که به فرموده خودشان تأثیر شگرفی برایشان داشته است. در یکی از این جلسات فرمودند: آقای بس بسی^۴ نباشید، از ذکرهایی استفاده کنید که لب تکان نمی‌خورد. ذکر شریف «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» معجون نفی و اثبات است و عجیب است» (محیطی، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

از شرایط دیگر ذکر مطابق آیه ۲۰۵ از سوره اعراف آرام گفتن آن در جمع است که شبهه ریا پیدا نکند: «وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ». چند وقت پیش در محضر یکی از علمای اخلاق تهران بودم که مریدان زیادی هم پیدا کرده، بلندبلند الحمدلله می‌گفت. این عمل ایشان به نظر من مملوّ از ریاکاری بود، به طوری که تأثیر نامطلوبی در حقیر گذاشت. ویژگی منحصر به فرد ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» حرکت نداشتن لبها هنگام ادای آن است، به طوری که اگر ذاکر به جهر نگوید، کسی در مجلس متوجه نمی‌شود و شائبه ریا ندارد.

مردگان همه از اهل «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» شده‌اند

اولین ذکری که در موقع اسلام آوردن می‌گوییم، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است. وقت مردن هم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است، ولی افسوس که انسان معنای این ذکر را نمی‌فهمد و با دقت تفسیرش آن را پیگیری نمی‌کند و به زبان نمی‌آورد. وقتی که از دنیا رفت و جنازه‌اش را برداشتند، بر جنازه او می‌خوانند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، یعنی ای مرده مسکین! حالا فهمیدی که حقیقت وجود «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است؟! فهمیدی که غیر از خدا معبودی و مؤثری نیست؟! در زندگی دنیوی حجاب‌های مادی جلوی بصیرت انسان را گرفته، ولی در عالم برزخ این حجاب‌ها کنار می‌رود و آتکای انسان تنها به خداوند می‌باشد؛ زیرا همه پیوندها و دلگرمی‌های او قطع شده است: «تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ» (البقره/۱۶۶).

مستحب است انسان چون به قبرستان وارد می‌شود، سلام کند. به چه کسی؟! به اهل «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت شده که چون وارد قبرستان شدی، بگو: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۳۰۲).

برخی شبهات پیرامون ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

شبهاتی از دیرزمان توسط برخی از مدعیان و عارفان دروغین که فرد شاخصی هم در میان آنها نیست، مطرح بوده، مبنی بر اینکه ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، ذکر بزرگی است و شما را درگیر امتحانات سخت و فقر و مشکلات گوناگون می‌نماید، در صورتی که این مطلب با نص صریح آیات قرآن و روایات معصومین (ع) مخالفت دارد.

پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز بعثت به مردمان هر عصر و نسلی فرمودند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا: ای مردم! بگویید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تا رستگار شوید». حال عده‌ای (آن هم به نام اسلام و ذکر) مدعی شوند که نگویید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تا به امتحانات سخت دچار نشوید.

اساساً دعوت تمامی انبیای الهی و امتحان‌های الهی برای این است که مردمان به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» پی ببرند و در گفتار و عمل به صورت مکرر و پیوسته متذکر این معنا باشند تا رستگار شوند. لذا این ذکر حلال مشکلات و معضلات در دنیا و آخرت است و نه سبب بروز آنها. گذشته از استحباب کلی اذکار از جمله ذکر مقدس «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که کلمه توحید و شعار اصلی اسلام است، قطعاً هر ذکری

تأثیر خاص در انسان دارد که از دیگر اذکار بر نمی‌آید، منتها طبق فرمایش ائمه معصومین (ع) این اذکار زمانی تأثیرگذار است که با توجه باشد و در عمل شخص نمایان باشد. همه اعمال عبادی و شرعی و مقدس‌ترین اعمال یک مسلمان مثلاً نماز و تلاوت قرآن اگر همراه با تأثیرپذیری قلبی و اعمال هماهنگ با آن نباشد، نه تنها ثمره‌ای نخواهد داشت، بلکه تبعات سوء هم در پی خواهد داشت و فردی که هر روز مرتکب منهیات قرآنی می‌شود و به‌طور مرتب قرائت قرآن را لقلقه زبان خود ساخته است، مصداق کسی است که هر بار که قرآن می‌خواند، خود قرآن او را لعن می‌کند و ثمره‌ای جز لعنت از قرآن نخواهد برد و تبعات سوء این عمل هم به او خواهد رسید: «رُبَّ تَالِي الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ». همچنین نماز اگر برای عبودیت خدا و از سر صدق نباشد، همچون نماز منافقان مصداق «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» است و موجب عذاب خواهد بود. سخن برخی از بزرگان در این مورد که گفته‌اند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ورد موحد واقعی است، ناظر به این مقام است و معنای آن نفی استحباب ذاتی و مطلوبیت اذکار نیست، چرا که معنای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» این است که فرد هیچ هدف و معبودی جز الله ندارد و می‌خواهد که از هر چیزی جز خداوند دل برکند و این دعوی توحید با عشق به دنیا و تعلقات دنیوی در تضاد است. این یک حقیقت آشکار است که اخلاص را شرط توحید می‌داند. و نتیجه این امر پرهیز از اذکار نیست، چرا که اگر اینگونه باشد، نه باید ایمان آورد و نه قرآن خواند و نه نماز، چرا که همه اینها امتحان‌هایی در پی دارند، بلکه برعکس باید هدف خود را خدا قرار داد و بر اخلاص خود همواره افزود.

بنابراین، خلاصه بحث این خواهد بود که از دیدگاه شریعت و روایات معصومین، همه اذکار الهی مستحب است و هیچ اثر نامطلوبی در پی ندارند. با این حال، دعوی بی‌معرفت و بدون عمل و بلکه در تضاد با خواسته‌های قلبی در تمامی اعمال شرعی، اعم از ایمان و قرائت قرآن و نماز، همچنین اوراد و اذکار اثرات نامطلوبی در پی نخواهد داشت. لذا در تمامی این اعمال، اولاً باید فرد معرفت نسبت به عمل خود داشته باشد و ثانیاً زبان و قلب باید در هماهنگی کامل با هم باشند و مهم‌تر از همه اینکه در تضاد با اعمال نباشند، چرا که گفتار نیکو تنها به واسطه عمل صالح بالا می‌رود: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...» سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد» (فاطر/۱۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» اصلی‌ترین شعار و ذکر هر مسلمان است.

- ۲- مطابق روایات بی‌شمار شیعه و سنی، این ذکر از اشرف اذکار است.
- ۳- این ذکر تنها مخصوص مسلمانان و خاتم پیامبران نیست و تمام انبیای الهی از حضرت آدم این ذکر را می‌گفته‌اند.
- ۴- شرط تأثیر این ذکر، ایمان قلبی به آن است.
- ۵- تناسب نفی و اثبات در این ذکر شریف، زیبایی خاصی بدان بخشیده است.

پی‌نوشت‌ها:

عنوان مقاله متناسب با این بیت هاتف اصفهانی است:

که یکی هست و هیچ نیست جز او وَحَدَّهُ لَأِ إِلَهَ إِلَّا هُوَ

- ۱- تهلیل، گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و مهم‌ترین شعار توحیدی اسلام است.
- ۲- سید علی قاضی طباطبائی معروف به علامه قاضی، متولد ۹ اردیبهشت ماه ۱۲۴۵ در تبریز و درگذشته ۱۶ بهمن ۱۳۲۵). علامه قاضی از شخصیت‌های کم‌نظیر معاصر عرفان و شیعه است. او همچنین استاد علامه طباطبائی و آیه‌الله بهجت بوده است.
- ۳- سخنی که توسط برخی عارف مسلکان دروغی مطرح شده است و هیچ پایه و اساس قرآنی یا روایی ندارد و متأسفانه به علمای بزرگ نسبت می‌دهند:
«حرف درویشان بدزدد مرد دون تا بخواند بر سلیمی زان فسون»
(مولوی، ۱۳۸۶، دفتر اول: ۱۹).
- ۴- اشاره به حالتی است که اگر شما چند بار بسم‌الله را پشت سر هم بگویید، صدای بس‌بس به گوش می‌رسد یا اگر چند بار سبحان‌الله را پشت سر هم بگویید، سب‌سب به گوش می‌رسد، همان حالتی که بعضی از مقدّس‌مآب‌ها موقع گفتن اذکار دارند و اجمالاً نظر حضرت استاد این است که موقع گفتن اذکار، ذکرهایی مانند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را انتخاب کنید که لب‌ها تکان نخورد تا از ریا و آفات آن به دور باشید. (محیطی، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. ترجمه عبدالمحمد آیتی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق.). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. چاپ دوم. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- _____ (۱۳۶۲). *الخصال*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه

- _____ (۱۳۷۲). *متن و ترجمه عیون أخبار الرضا (ع)*. چاپ اول. تهران: نشر صدوق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۰ ق.). *الجامع الصحیح*. چاپ اول. القاهرة: المطبعة السلفية و مکتبته.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ ق.). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعه*. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت، علیهم السلام.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۳). *نامه‌ها و برنامه‌ها*. چاپ اول. قم: انتشارات قیام.
- دلاور تهرانی، مسعود. (۱۳۸۱). *فیضی از وراى سکوت؛ رهنمودها و ارشادات شیخ الفقها و العرفا، حضرت آیه الله بهجت، حفظه الله تعالی*. چاپ اول. تهران: نور و رنگ.
- رازی، فخرالدین محمد. *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴ ق.). *عجائب القرآن*. چاپ اول. بیروت - لبنان: انتشارات دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ ق.). *الذّر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۲ ق.). *فتح القدیر*. چاپ اول. دمشق - بیروت: دار ابن کثیر - دار کلم الطیب.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسلام.
- عسقلانی، احمد بن حجر. (بی تا). *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*. بیروت: دارالمعرفه.
- فصلنامه فرهنگ کوثر*. وابسته به آستانه مقدّس حضرت معصومه (س).
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۸۶). *حلیة المتّقین*. اصفهان: نشر شهید حسین فهمیده.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چاپ اول. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی (ره)، امام سید روح الله. (۱۴۲۸ ق.). *سر الصلاة؛ معراج السالکین و صلاة العارفين*. چاپ نهم.
- تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- محیطی، علی. (۱۳۸۱). *صراط سلوک؛ رهنمودهای اخلاقی - عرفانی حضرت استاد علامه حسن زاده آملی دام عزه العالی*. چاپ چهارم. قم: آل علی (ع).

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چاپ اول. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
مولوی بلخی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۶). *مثنوی معنوی*. چاپ نهم. تهران: انتشارات پژوهش.